

تاریخ خط در ایران و جهان

خط چینی و خطهای میخی باستانی

علیقلی اعتماد مقدم

گمان می‌کردیم که بانوشتن چهار مقاله راجع به کلیات تاریخ خط حرفی درجهان و ایران بحث در این موضوع کافی باشد. ولی پس از نشر آن مقالات معلوم شد که موضوع، مورد توجه واقع شده و انتظار مقالات دیگری در این باب می‌رود.

این انتظار باعث تعجب نیست. زیرا ملاحظه میشود، در کشوری مانند انگلستان، با داشتن خط لاتین، و علاقه بسیار به حفظ سنتهای باستانی، از نیم قرن پیش، برای ضبط تلفظها، خطی وضع کرده‌اند و از چند سال پیش به این طرف، به این فکر افتاده‌اند که با ایجاد يك الفبای کاملتری راه مقدمات تعلیم را سهل‌تر و کم‌خرج‌تر بسازند.

باری، برای اینکه بتوانیم راجع به خطهای میخی نقشی و حرفی، که آثار بسیاری از آن در فلات ایران و دنباله آن پیدا شده و در مقالات گذشته، ذکر آنرا نکرده‌ایم، بحثی کنیم، ناچاریم که این مقاله را درباره کلیات خط نقشی چینی اختصاص بدهیم، زیرا که اطلاع از کلیات خط چینی میتواند مقدمه جامعی برای بررسی خطهای میخی در ایران باشد.

پیش از اینکه داخل موضوع شویم، خلاصه‌ای از مطالبی که در چهارمقاله گذشته ذکر شده است در ذیل می‌آوریم. در شماره ۲۸ مجله هنر و مردم، راجع به خط حرفی درجهان و ایران و اختلافاتی که در مدت يك قرن درباره پیدایش آن پیش آمده بحث کردیم.

در این شماره رو بهمرفته تا اندازه گنجایش، سندهای ایرانی و عربی را نقل نمودیم و ارتباط خط را با علم تجوید و مقاطع جهاز سخنگویی تذکر دادیم، در حالیکه نشان داده شد که در اروپا، سند علمی کهن در این باب یافت نمی‌شود که

ذکر می‌کردیم از مخترع خط کرده باشد.

در شماره ۲۹ نیز دنباله مطلب را به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در اروپا کشانیدیم و بیان کردیم که چون شهرتی پیدا شده بود که خطهای حرفی از روی دهان پیدا شده، چند نفر کوشیدند که از روی دهان، الفباء منطقی بسازند و یا اینکه ثابت کنند که الفبای عبری از روی جهاز سخنگویی ساخته شده است.

نیز در آن مقاله تذکر دادیم که از اواسط قرن نوزدهم نظریه تازه‌ای پیدا شد که خطوط حرفی جهان را بازرگانان فینیقی از روی خط مصری ساخته‌اند و این حدسی است که شهرتش بواسطه تبلیغات بسیار، از آنچه قبلاً راجع به خط نوشته شده بود بیشتر است.

در شماره ۳۵، اشاره‌ای باز درباره تبلیغات نظریه‌سامی بودن اصل خط نموده و علت شهرت آن را بیان کردیم و نظر دو نفر از دانشمندی که طرفدار این نظریه‌اند داده شد، و نمونه‌هایی از چگونگی تحول خط مصری به خط فینیقی و مقایسه آن با خطوط یونانی و اتروسکی و لاتین، و همچنین نقوشی که خط فینیقی به خط سنسکریت از یک طرف، و به خط لاتین از طرف دیگر تحول پیدا کرده است، داده شد.

در این مقاله نیز بحثی درباره افسانه کادموس که می‌گویند الفباء را به یونان برده، - کردیم، و همچنین راجع به فینیقی و نام آن تذکر مختصری دادیم.

آخرین مقاله‌ای که راجع به تاریخ خط درجهان و ایران در شماره ۳۱ درج شده بود درباره خطهای قدیم ناخوانده و نیمه خواننده در اروپا و ایران بود. در ضمن این مقاله، اختلاف نظر بسیار، میان محققین

را که کوشیده‌اند به هم‌دیگر نسبت اغراض سیاسی و مذهبی و تژادی را بدهند یادآور شدیم . بعلاوه ، راجع به شکل‌های حروف الفبای اتروسکی و خط رونی و همچنین خط سنگ نیشته سرخ کتل در افغانستان ، چند مطلب به اختصار تذکر دادیم و در آخر آن مقاله ، نظریه دانشمند زردشتی بولسارا را درباره پیدایش خط اوستائی بیان کردیم .

خلاصه آنچه تاکنون در این باب نوشته شده و بزرگترین دانشمندان غربی که در این راه اظهار نظر کرده‌اند اینست که موضوع و تاریخ خط حرفی هنوز در جهان حل نشده است . پس در این صورت اگر چند مقاله دیگر راجع به خطوط حرفی و غیر حرفی قدیم جهان مخصوصاً ایران گفته شود بی‌مناسبت نخواهد بود و ما امیدواریم که روزی بیاید که مردم جهان دارای یک خط منطقی که از نظر تعلیم و چاپ و تحریر کامل باشد بشوند .

چنانکه از مقالات گذشته واضح میشود ، روش ما در ذکر و بیان آراء مختلف و نظریات گوناگونی که راجع به خط داده‌اند کاملاً بیطرفانه بوده و مقصود این بوده است که هر چه در این باب از قدیم و جدید گفته و نوشته شده است تذکر بدهیم ، و همین روش را در چند مقاله آینده که درباره خطوط میخی و خطوط حرفی که در ایران بکار رفته ، پیش خواهیم گرفت و داوری در موضوع را به خوانندگان گرامی واگذار می‌کنیم .

بحث در تاریخ خط ، در ممالک و اقوام دیگر که وسعت سرزمین و جمعیت آنها هم قابل ملاحظه نبوده خیلی آسانست ، ولی در سرزمین ایران بزرگ ، خط و زبان ، تحولی پیدا کرده که به آسانی نمی‌شود راجع به هر یک ، چنانکه شاید باید مقاله و کتابی نوشت .

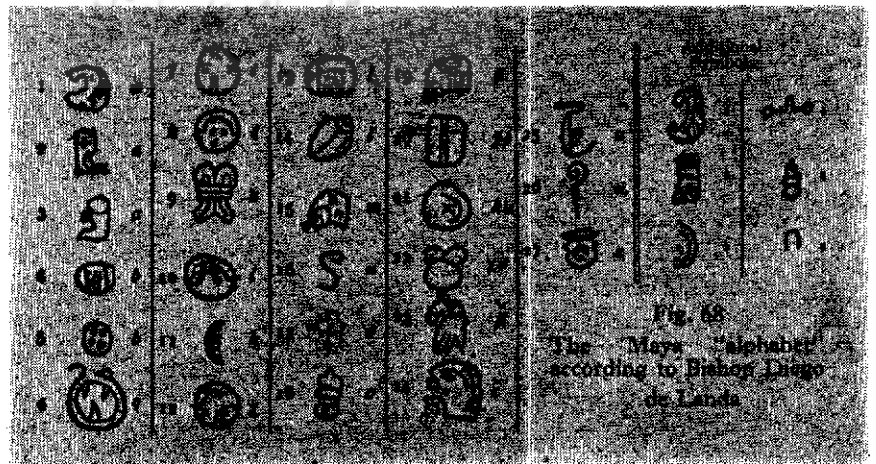
از زمان قدیم گفته‌اند که خداوند ، انسان را سخنگوی و نگارنده و شمارنده و سازنده آفریده‌است و امتیاز او بر جانداران دیگر در همین چهار استعدادست .

هر کجا اجتماعاتی از بشر پیدا شده ، نوعی سخنگوئی و نگارش در میان آنها از روی استعداد خداداد بروز کرده‌است . اگر چه زبانهای اجتماعات بشر و نوع نگارش بدوی که آنرا بوجود آورده‌اند با هم در ظاهر شباهت ندارد ولی در حقیقت بروز استعدادهای شبیه به همی بوده که در بشر وجود داشته‌است . از فلات ایران تا دورترین نقطه اروپا ، زبان و خط (هر مأخذی که برای آن تصور شود) تحولات بسیار کرده‌است ، ولی در کشور پهناور چین که یک پنجم جمعیت جهان در آن زندگی می‌کنند ملاحظه میشود که در اصول خط آنها تغییری رخ نداده‌است .

خوشبختانه حفظ این سنت کهن در چین می‌تواند راهنمایی برای تاریخ تحول خطوط نقشی میخی در فلات ایران گردد ، قابل توجه است که در امریکای مرکزی هم که فرسنگها از چین و مصر دور بوده ، همان روش خط نقشی را از روی استعداد طبیعی خداداد ، بطرز دیگری مناسب با زبان خود پیش گرفته‌اند .

عده‌ای از دانشمندان کوشیده‌اند که میانه خط مردمان قدیمی امریکای مرکزی (مایاها و آرتنگ‌ها) با چین و مصر ربطی برقرار سازند ، ولی بنظر ما این مسئله جز همان استعداد سخنگوئی و نگارش خداداد بیش نیست که در هر یک از این کشورهای از هم دور افتاده بصورتی مخصوص به خود ، خواهی نخواهی بروز کرده‌است ، ولی ارتباط اساسی با هم ندارند ، هر چند که نقشهای شبیه به هم در میانه خطوط این مردمان ملاحظه شود (شکل ۱) .

همانطوری که در ظاهر ، ساختمان جسمی انسان در هر منطقه‌ای و به هر رنگ که باشد بهم شباهت دارد ، بروز استعدادهای و افکار خداداد هم با شدت و ضعف و لطافت و خشونت در افراد و اجتماعات انسانی بروز می‌کند . اگر زبان سخنگویانی چنان باشد که مانند بیسوادان



شکل ۱ - الفبای مایاها ، بنا بر آنچه اسقف دیاگو دولاندا داده‌است از کتاب درینگر

توانند صداهای مفرد را از چند صدائی که با هم ترکیب شده تشخیص دهند، تحول از خط نقشی به خط حرفی امکان نخواهد داشت .

کسی که سواد ندارد ، اگر کلمه «دست» را شنید، تمام چهار صدا به گوش او، مانند یک صدا وارد می شود و نمی تواند «دال» و «سین» و «ت» را از هم و از صوتی که وسط دال و سین است تشخیص دهد.

محالست تصور کرد که در فلات ایران و دامنه های آن ، در زمانهای بسیار قدیم خط نقشی نبوده است و خط نقشی زمینه پیدایش خط حرفی نشده باشد.

در همین زمان خودمان بسیاری از اشخاص بیسواد که احتیاج بنوشتن داشته اند ، مثل ناظرها و آشپزها و بقالها، پس از نومیادی از یاد گرفتن خط کنونی، ناچار شده اند که برای خود خط نقشی اختراع کنند تا بتوانند نیازمندیهای ساده خود را رفع نمایند .

از قراری که شنیده ایم ، یکی از تجار بازار که چندین سال پیش مرده است دفتر تجارتی خود را با همین علامات نقشی نگاه می داشته و پس از مرگ او، کسی از اسرار معاملاتی او نتوانسته است سر در بیاورد.

در هر صورت، استعداد سخنگویی و نگارش، از نخستین روز آفرینش در نهاد بشر گذاشته شده و در هنگام نیاز ، از او بصورتی بروز خواهد کرد.

حال اگر بخواهیم که درباره خطوط نقشی که بصورت خط میخی درآمده و نوشته های بسیاری از آن در ایران پیدا شده بحثی بکنیم، بایستی از چگونگی خط چینی کلیاتی را بدانیم . زیرا که خط این نوشته ها باید از همان راهی پیدا شده باشد که خط نقشی چینی و امریکائی مرکزی و مصری پیدا شده است.

پیش از هر چیز باید گفته شود که خط چینی مانند خطوط حرفی نیست. یعنی حرفی مثل «س» و «ر» را پهلوی هم بگذارند و آن را «سر» بخوانند ، بلکه برای هر اسم و فعل وصفت و غیره، نقشی ایجاد کرده اند.

اطلاعاتی که در این زمینه داده میشود، اقتباس از نوشته های دانشمندان است که در تاریخ خط در جهان بطور تخصصی کار کرده اند و ما پس از بررسی ودقت، خلاصه تحقیقات آنها را ذکر می کنیم .^۴

خط چینی تنها خط نقشی قدیمی می باشد که تا کنون بکار می رود و مردمی آن را بکار می برند که جمعیتشان یک پنجم جمعیت روی زمین، و در کشوری سکنی دارند که مساحتش تقریباً به اندازه قاره اروپاست.

این کشور پهناور، کشور است که از زمانهای قدیم تا کنون، در آب و هوای معتدل آن، تغییرات زیادی مثل فلات ایران

روی نداده و لهذا همیشه پر جمعیت تر و پر خیرات تر از بسیاری از سرزمینهای جهان بوده است .^۳

اگر به يك صفحه از خط چینی نگاه کنیم، نقشهائی شگرف و نامأنوس در آن می بینیم که لابد فکر خواهیم کرد که چگونه آن را می خوانند.

تحقیقات تازه نشان می دهند که این نقشه های شگفت آور، اصل و معنائی داشته اند.

از روی آثار نوشته بسیاری که بدست افتاده می توان به میزان قدمت این نقشه ها تا حدی پی برد .

چینیان اختراع خط نقشی خود را به آغاز هزاره سوم پیش از میلاد می گذارند و مخترع آن را یکی از شاهان می دانند. باستان شناسان و استادان غربی که بطور تخصصی، زبان و خط چینی را بررسی کرده اند، برای این خط، سه مرحله حدس زده اند :

۱ - کهنترین اسناد نوشته چینی، قرن دوازدهم و یازدهم پیش از میلاد (سلسله Yin) ،

۲ - دوران اتحاد سیاسی و فرهنگی پادشاهی چین، قرن سوم پیش از میلاد (سلسله Ts'in) ،

۳ - آغاز قرن سوم میلادی (سلسله هان های شرقی) ، در این مرحله سوم است که شکل خط چینی جدید، پیدا می گردد.

شکل های مختلف خط نقشی چینی از نظر کرنولژی یا سالماری به پنج بخش میشود که هر يك به زبان چینی نام مخصوصی برای خود دارد.

۱ - قرن دوازدهم و یازدهم پیش از میلاد ،

۲ - قرن نهم و هشتم پیش از میلاد ،

۳ - سالهای میان چهارصد و سه تا دوست و چهل و هفت پیش از میلاد ،

در کشورهای غربی و کشورهای شمالی پادشاهی Ts'in

۴ - قرن سوم پیش از میلاد ،

۵ - قرن سوم میلادی، (شکل ۲)

بعلاوه نقوش خط های فوق، چند خط تند نویسی دیگری

۱ - از خوانندگان گرامی خواهش می کنیم که اگر آثاری از این خط های نقشی که بیسوادان برای خود قرارداد کرده اند ، بنظرشان رسیده باشد به نشانی همین مجله برای ما بفرستند.

(2) David Dringer, The Alphabet, 1949;

Isaac Tayler, The Alphabet, 1883;

James G. Février, Histoire de l'Écriture, 1959

۳ - دریاچه های خشک و جنگلهای خشک شده و آثار باستانی آبادانی در ایران بزرگ، نشان می دهد که تقریباً از چهارده پانزده قرن به این طرف، هوای این سرزمینها رو بخشکی گذاشته و با برآمدن زمینها ، آنها از سطح زمین دور شده است . نظیر این پشامد را در قسمتی از امریکای جنوبی در این سالهای اخیر ملاحظه می کنیم .



شکل ۲ - شیوه‌های مختلف خط چینی - نقل از صفحه ۱۵۷ کتاب درینگر

犬

شکل ۳

木

شکل ۴

𣎵 𣎶

شکل ۵

𣎷 𣎸 𣎹

شکل ۶

در چین معمولست که در میان آنها می‌توان Ts'as-tchou را نام برد، و آن یک شیوه خط تندنویسی مخصوصی می‌باشد که خواندنش بسیار دشوارست.

با اینهمه متذکر شده‌اند که بطور یقین، خط نقشی خیلی جلوتر از آخر هزاره دوم پیش از میلاد بکار می‌رفته و تحولات اصلی نقشهای چینی امری داخلی و از نظر خوشنویسی بوده‌است.

چنانکه نوشته‌اند اختراع قلم‌مو، در تحول خط چینی تأثیر بسزائی داشته و شکل نقشهای اصلی را از میان برده‌است. اختراع قلم‌مو را، سنتهای چینی به‌عصر Meng t'ien داده‌اند و این شخص، سازنده دیوار بزرگ چین میباشد که در حدود ۲۱۰ پیش از میلاد مرده است. ولی می‌بایست این اختراع پیش از این عصر باشد.

درحقیقت خیلی از صفحات پیشگوئیهای دوره Yin که مقصود، خبر دادن از حوادث آینده باشد - دارای متنی هستند که با قلم‌مو نوشته شده‌اند و بعلاوه شکل قلم‌مو را هم کشیده‌اند. یک تحول دیگر داخلی، پس از اختراع کاغذ، در این نقشها پیدا شده و این اختراع را در ۱۰۵ میلادی می‌گذارند. خط نقشی چینی هیچگاه مراحل تحول را به طرف خط حرفی نیموده و حتی به مرحله اینکه بصورت یک خط سیلابی هم درآید پیشرفت نکرده‌است.

حال لازمست که نمونه ساده‌ای از پیدایش این خط نقشی را بیان کنیم.

در خط نقشی چینی، «خیون» یعنی سگ، و نقشی که این کلمه را نشان می‌دهد اینست (شکل ۳).

«مو» در چینی، یعنی درخت، چوب؛ و نقشی که این کلمه را در خط چینی نشان می‌دهد اینست (شکل ۴).

این دو نقش، شاهستان به یکدیگر خیلی نزدیک‌ترست تا

شباهت آنها به چیزی که معنای نقش است. ولی هنگامی که با دقت تمام به شکل قدیمی تر این دو نقش برگردیم می‌بینیم که نقشها چندان هم بی‌شابهت به درخت یا سگ نیستند.

مثلاً این دو نقش قدیمی (شکل ۵) برای درخت، بی‌شابهت به خود درخت نیستند.

و همچنین این سه نقش (شکل ۶) که نفوش قدیمی سگ

می باشند، در اصل بی شباهت به خود حیوان نبوده اند. آنچه در بالا ذکر شد يك حالت بسیار ساده ای از موضوع است. ولی در نقشهائی که خیلی در هم و بر هم هستند نیز می توان دریافت که با معانی اصلی خود بی ارتباط نبوده اند. بغير از نقشهائی ساده که ذکر کردیم ، نقشه های مرکب دیگر برای معانی دیگری هست. مثلاً «مرئاض» را با دو علامت نشان میدهند (شکل ۷) نقش اولی تازه تر و دومی نقشی قدیمی ترست و مقصود از نقش دومی اینست که شخصی بر سر کوه است، زیرا که مرئاضان غالباً به کوه می رفتند.

ونقش يك كارد ، معنایش تفرقه و تقسیم است. برای نشان دادن حالت کینه ، دوبار نقش يك دختر یا يك زن ، و برای آنکه قلب و شیطنت را نشان دهند، سه بار همین نقش را می کشند . گاهی يك علامت را برای دو کلمه متفاوت بکار می برند، چنانکه علامت «Wou» برای جادوگر و دروغگو بکار می رود و دلیلش نزدیکی میان دو معنای کلمه است. با این روش می توان تقریباً چهل هزار کلمه ای را که در لغت نامه چینی جمع آوری شده به بیشتر نقشه های اصلی برگرداند .

قدیم	جدید	قدیم	جدید
○	日	木	木
☾	月	雨	雨
山	山	矢	矢
子	子	門	門
册	册	册	册



شکل ۷



شکل ۹



شکل ۱۰

شکل ۸ - نمونه ای از مقایسه نقشه های جدید با نقشه های قدیمی اصلی - صفحه ۱۱۱ کتاب درینگر. ستون اول ، نقشه های قدیمی و ستون دوم نقشه های جدید

بطوری که نوشته اند این نقشه های معنی دار به شش دسته تقسیم می شوند و دسته ششم دسته مهمی است که نهمین نقشه های معنی دار چینی بر پایه آن قرار دارد و ما برای نمونه، نقشه های دسته اول قدیم و جدیدش را می دهیم (شکل ۸).

هنگامی که چنین روش نگارشی را بررسی می کنیم از دشواری آن در شکفتن بی پایانی فرو می رویم در حالی که يك هنر فوق العاده ای را که در ایجاد این نقشه ها بکار رفته است می بینیم .

علت تحول پیدانکردن خط نقشی چینی مربوط به زبان چینی است که از سه قسم سخنگوئی انسانی می باشد.

عده ای از این نقشه ها برای معانی ثانوی بکار رفته اند، مثلاً کلمه «سلامت و مطمئن» را با نقش يك دست دراز شده ای به سوی پائین که زنی را كمك می کند، و کلمه «خطر» را با مردی که روی پرتگاهی قرار دارد، نموده اند.

آفتابی که در زیر درختی رسم شده باشد معنایش تاریکی است، در صورتیکه نقش آفتابی که بر روی يك درخت باشد، یا نقش آفتاب و ماه پهلوی هم، معنایش روشنی است .

«یاری کردن» چه با سخن و چه با عمل را با نقش دهان و نقش دست نشان می دهند .

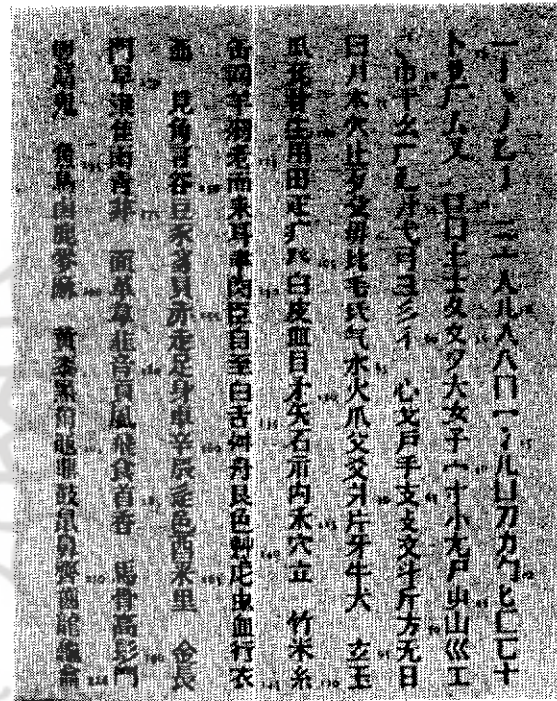
دو دستی که بهم پیوسته باشند، نشانه دوستی و رفاقت،

زبان چینی یک زبان ریشه‌ایست و افعال چینی، مفرد و جمع را نشان نمی‌دهد و اسم صرف نمی‌شود و زمان و حالت و شخص در آن نیست. بلکه یک کلمه بی‌آنکه صورتش تغییر کند ممکنست اسم یا فعل یا صفت یا قید یا یک حرف باشد.^۶

مناسبات صرف و نحوی کلمه‌ها فقط از جای آنها در جمله معلوم میشود و هیچ کلمه‌ای در چینی از یک سیلاب بیشتر نیست.^۷

شماره یک سیلابهای ترکیب شده، در زبان چینی به چهار صد و پنجاه می‌رسد.

در زبان چینی بواسطه چهار گونه تغییر مقام آهنگی،



شکل ۱۱ - کلیدهای خط چینی - نقل از صفحه ۱۱۷ کتاب درینگر

ممکنست در حدود ۱۲۰۳ یک سیلابی ترکیب شده ادا گردد. پیداست که مردم چین که آن اندازه در تمدن پیشرفت کرده بودند، احتیاجاتشان با این کلمات محدود رفع نمی‌شده است. لهذا لازم بوده که برای هر کلمه‌ای چند معنای مختلف در نظر بگیرند.^۸

بطور نمونه، کلمه «یو» ممکنست به این معنای باشد. «مرا، موافق، خوشحالی، اندازه، کودن، گاوسیاه»، کلمه «لو» این معنای را دارد. «تقلب، چرخ (وسائل نقلیه)، جواهر، شبنم، راه، برگشت».

درینج گویش مختلف چینی هنگام محاوره، ابهام معنی را

با ادا یازست و آهنگ صدا، رفع می‌کنند. ولی در قطعات نوشته که ژست و تغییر آهنگ امکان ندارد، این ابهام را با علاماتی تشخیص می‌دهند.^۹

در زبان چینی به ابهام و اشکال بسیاری بر می‌خوریم، مخصوصاً در جایی که یک نقشی با یک تلفظ باید چندین معنی را بیان کند.

برای رفع این دشواری، تدبیری اندیشیده‌اند که قابل تذکرست.

۵ - تمام دانشمندی که راجع به خط چینی تحقیقاتی کرده‌اند تعجب نموده‌اند که چگونه مردمی که توانسته‌اند یک دستگاه نقشی شگرفی را برای نگارش ایجاد کنند، نتوانسته‌اند به اصول خط سیلابی یا حرفی، پی ببرند.

بنظر ما جای تعجب نیست، زیرا که پی بردن به خطوط سیلابی یا خطوط الفبائی زمینه‌هایی لازم داشته که در زبان و فرهنگ چینی و همچنین زبانهایی که دستگاه صوتی آنها ناقص است و انگیزه‌های مذهبی برای تلفظ صحیح نداشته‌اند نبوده است. چینیان از زمانهای بسیار قدیم با اقوام آریائی که دارای خطوط حرفی بوده‌اند از طرف جنوب و مغرب و شمال غربی تماس و مراوده داشته‌اند، مخصوصاً بعد از انتشار مذهب بودائی در آنجا. پس هیچ علتی برای حفظ و ادامه این سبک نگارش نقشی در آنجا نمی‌شود تصور کرد مگر زبان چینی، که برای خطوط حرفی آمادگی ندارد.

۶ - وقتی که مراحل سخنگویی را در نظر می‌گیریم می‌توانیم یقین داشته باشیم که زبانی مثلاً مانند زبان فارسی، محالست که یکمرتبه بدین صورت کنونی درآمده باشد. ظاهراً بایستی این زبان هم در ابتداء از کلمات کوتاه درست شده باشد و بعد در مرحله دوم، این کلمات ساده و معنی‌دار بهم بچسبند و معنای تازه‌تری را بیان کند و بعد بصورت یک زبان دقیق گرامری مشکل درآید و سپس دست از اشکالات بپهوده بردارد و بصورت ساده کنونی تحول پیدا کند.

پس در این صورت می‌توان سه یا چهار مرحله برای تحول زبان از حالت سادگی به حالت زبانی که بتواند هر معنای دقیق را با الفاظ و قواعد مخصوصی بیان کند در نظر گرفت.

خوشبختانه دو یا سه مرحله از تحول زبان فارسی بصورت کنونی، اسنادش در دست است.

۷ - در زبان اوستا و فارسی قدیم و چندین زبان آریائی دیگر، اسم‌ها صرف می‌شدند، یعنی در حدود هشت حالت و با محل اعراب داشتند و برای هر حالتی در دنبال اسم علامتی می‌گذاشتند.

در زبان فارسی کنونی، یک حالت، علامت ندارد و سه حالت، علامتش در دنباله نام است، و حالت‌های دیگر را با گذاشتن حروفی از قبیل: از، با، در، ... در جلوی نام نشان می‌دهند.

۸ - در زبانهای دیگر هم، نظیر این دیده میشود. مثلاً از قراری که مشهور است کلمه «عین» در عربی دارای هفتاد معنی مختلف است که اختلاف آنها از معنای جمله دریافت میشود، و همچنین کلمه Pièce در زبان فرانسه، و کلمه «شیر» در فارسی کنونی.

۹ - کلماتی که شبیه به هم تلفظ میشوند ولی معنای مختلف دارند، غالباً در کتابت، با املاهای مختلف نوشته میشوند تا معنای آنها از هم تشخیص داده شود. مثلاً در زبان کنونی فارسی، مینویسیم: صد، سد، صد، سده، سده، بهر، بحر.

و همچنین اگر با کلیدهای دیگر ترکیب شود هشت معنای مختلف از آن فهمیده میشود.

این هر دو دسته علامتها و نشانهها، در خط چینی متعددست. دکتر مارشمن در خط چینی ۳۸۶۷ علامت و دوهزار نشانه نقش نگاری یافته است.

بسیاری از اینها نادر و از استعمال افتاده اند و ممکنست بگوئیم که فقط ۱۱۴۴ علامت صوتی و ۲۱۴ کلید نقش نگاری در عمل محل نیازست.

بوسیله این ۱۳۵۸ نقش قرارداد است که رویهمرفته ، دو ودوتا باهم ، هریک از چهل هزار کلمه زبان چینی را میتوان بی ابهام نوشت.

معنی نقشهای فوق در زبان چینی.

شماره ۱ . Yen ، شخص ، انسان ، مرد

شماره ۲ . Nü ، دختر ، زن ، مادینه

شماره ۳ . Tzu ، بچه ، پسر ، خلف

شماره ۴ . Hao ، از نقش دوم و سوم ترکیب شده که

دختر و پسر باشد. ومعنای آن پسندیده ، خوب ، شائق ، بسیار ،

هر کلمه چینی دارای دو علامت است. علامت اول، تلفظ کلمه را به ما نشان می دهد، و علامت دیگر، می نمایاند که کدام یک از تلفظهای این کلمه مقصودست.

این علامتها را در زبان چینی «کلید» می گویند .

باری ، در خط چینی این نقش (شکل ۹) را که گفته اند صورت اصلی آن (شکل ۱۰) بوده است ، «Pa» تلفظ می کنند و ظاهراً نقش دم حیوانیست.

نقشی که در چینی «Pa» تلفظ میشود، هشت معنای ممتاز از هم را دارد .

هنگامی که این شکل با کلید «گیاهان» مربوط بشود ، «Pa» معنایش درخت موز است،

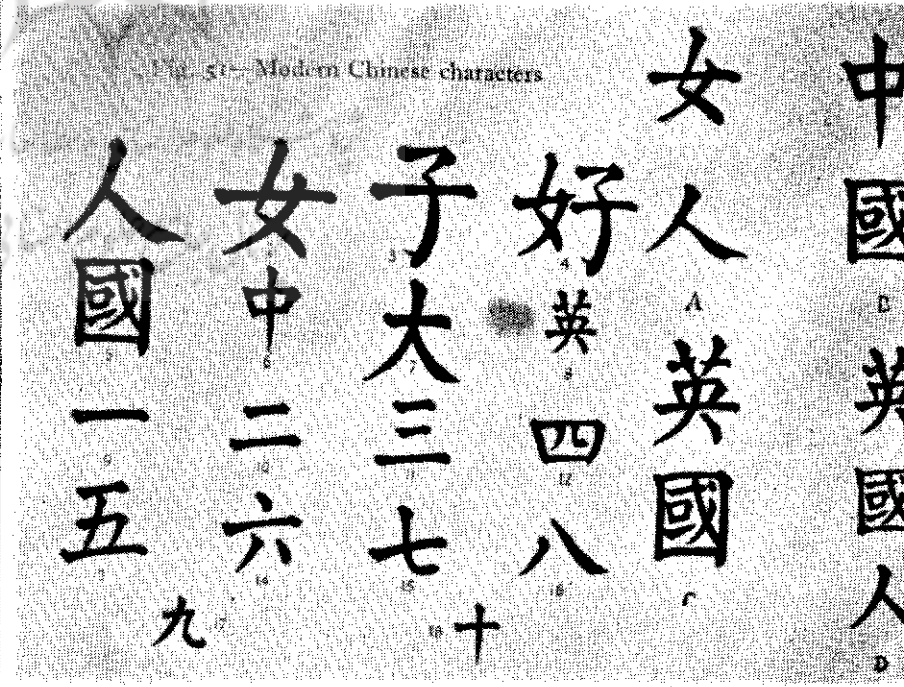
اگر کلید «آهن» با «Pa» ترکیب بشود به معنای اراده است،

اگر کلید «بیماری» با «Pa» ترکیب بشود معنای آن بیماری مخملک است،

اگر کلید «دهان» با «Pa» ترکیب بشود به معنای فریادست ،

چپ : شکل ۱۳ - نمونه ای از خط تزئینی و خطوط طلسمات و جادو - نقل از صفحه ۱۰۹ کتاب درینگر

راست : شکل ۱۴ - خط چینی جدید - نقل از صفحه ۹۹ کتاب درینگر



میباشد .

- شماره ۵ . Kuo ، کشورشاهی، کشور، دارای مرزها
شماره ۶ . Chung ، مرکز ، میانگاه ، درون
شماره ۷ . Da یا Ta ، بزرگ ، آزاده ، بسیار
شماره ۸ . Ying ، برتر ، نقش برای انگلستان
شماره ۹ . I (ee) ، يك
شماره ۱۰ . Erh ، دو
شماره ۱۱ . Sau ، سه
شماره ۱۲ . Szu ، چهار
شماره ۱۳ . Wu ، پنج
شماره ۱۴ . Lu ، شش
شماره ۱۵ . Ch'i ، هفت
شماره ۱۶ . Pa ، هشت
شماره ۱۷ . Chiu ، نه
شماره ۱۸ . Shih ، ده

A (۲+۱) Nü - yen . مادینه بعلاوه شخص، مساویست

با زن

B (۶+۵) Chung - kuo میانه بعلاوه کشور ، مساویست

به چین

C (۸+۵) Ying - kuo انگلستان بعلاوه کشور، مساویست

با کشور انگلستان

D (۸+۵+۱) Ying - kuo - yen انگلیسی بعلاوه کشور ،

بعلاوه مرد مساویست به مرد انگلیسی .

راجع به قسمتی از کتیبه‌های خط چینی اختلاف نظر بسیار است . برخی از محققین، قدمت اینها را تا چهارده قرن پیش از میلاد گذاشته‌اند و اینها بصورت نوشته‌های پیشگوئی و فالگیری هستند. هر چند این نوشته‌ها خیلی مختصرند و بیشتر آنها از دوازده علامت نقشی بیشتر ندارد و مفصلترین آنها از شصت علامت نقشی تجاوز نمی‌کند ولی اهمیتشان از نظر تاریخ خط مهمست و ظاهراً در حدود سه هزار علامت نقشی در مجموع این نوشته‌ها بدست افتاده است که تا حدود شصده علامت آنها تا کنون خوانده‌اند .

چینیان علاقه فراوانی به زیبایی خط دارند و لهذا خوشنویسی یکی از هنرهای بزرگ آنان به‌شمار می‌آید.

نقشهای خط چینی برای نوشتن يك صفحه ، از دست راست و بطور عمودی از بالا به پائین نگاشته میشود و لهذا نخستین نقش يك صفحه نوشته ، در بالای صفحه و در دست راست قرار دارد و آخرین نقش کلمه صفحه ، در طرف چپ و آخرین نقش ستون است.

چون خط چینی ، نقشی است و بواسطه تمرین زیاد ، نقشها به یاد سپرده شده ، يك صفحه بزرگ از خط چینی را ، چینیان با سواد آموخته در زمان بسیار کوتاهی می‌خوانند .

این سرعت انتقال معنی ، از راه نقش به ذهن ، خیلی شبیه است به اینکه کسی چشمش به يك تابلوی رنگی از حادثه‌ای بیفتد که در آن ، زمین و آسمان و دریا و انواع کشتی‌ها و درخت و گلها و مردمی از زن و مرد و کودک و سوار و پیاده ، بارنگهای مختلف بر روی آن نقش شده باشد .

بیننده چنین نقشی ، دريك لحظه ، از آن تابلو مطالبی را دریافت میکند که شرح آن با خواندن چندین صفحه ممکن نخواهد شد .

در کشور پهناور چین با يك جمعیت پانصد میلیون ، گویشها و زبانهای مختلف وجود دارد و از امتیازات خط نقشی چینی اینست که نوشته‌ای را که به این خط نوشته باشند هر چینی با سواد می‌تواند معانی آن را بزبان و اصطلاحات خود درک کند و چنین امتیازی در خطوط دیگر جهان نیست .

برای اینکه نمونه‌ای از آنچه در خطهای غیر چینی و شبیه به خط چینی است نشان دهیم ، ارقام هندسی را در نظر بگیریم . این ارقام ، حروف اول اعداد ، از يك تا نه ، به خط و زبان ایرانیست^۱ و می‌بینیم که در هر کشوری از کشورهای جهان ، این ارقام هندسی را به زبان خود تلفظ می‌کنند بی آنکه درست بدانند از کجا آمده و چگونه پیدا شده است .

توجه به این امتیازی که در خط چینی تذکر داده شد برای مقایسه چگونگی خطهای نقشی قدیم ، خواه خط نقشی مصری باشد یا خطوط نقشی میخی ، لازمست . زیرا که ممکست آن خطهارا به زبان دیگری غیر از آنچه که حدس زده اند خوانند . شینده‌ایم که پس از برخورد اروپا با تمدن چین، عده‌ای از اروپائیان باین اندیشه افتادند که خطی نظیر چینی ایجاد کنند که هر کتابی با آن خط نوشته شود و در همه اروپا ، مردم آنرا به زبان خود بخوانند . ولی چنین فکری پیشرفت نکرد . واضحتست که دست یافتن به چنین خط مشکلی کار بسیار سختی است .

برای اینکه تا آن اندازه به این سبک نوشتن آشنا شویم که بتوانیم يك نامه معمولی را بنویسیم یا اینکه يك کتاب معمولی را بخوانیم ، لازمست که دانشجویان ، شش تا هفت هزار از این نقشها را بخاطر خود بیارند .

چنین کاری، دشوار و تحمیل برحافظه است، برای اینکه بیشتر نقشهای خط چینی شباهت بسیار بهم دارند و خیلی مشکل است که آنها را بی اشتباه ، از هم تشخیص بدهیم .

راجع به اشکالات خط چینی از نظر تعلیم و تعلم ، تیلور در کتاب تاریخ الفباء مینویسد :

... نتیجه اشکالات خط چینی اینست که يك دانشجوی با استعداد چینی در سن بیست و پنج سالگی خیلی کمتر آشنائی

۱۰ - نگاه کنید به دبیره (د . بهروز) جزوه شماره ۲ ایران کورده ، صفحه ۵۵ .

به خواندن و نوشتن دارد تا يك انگلیسی ده ساله روستائی.
می توان گفت که روش چینی ، بجای پنج سال برای
خواندن و نوشتن ، بیست سال مدت لازم دارد .
شش هزار کلمه در نسخهٔ بیبل^{۱۱} انگلیسی داریم .
در کتاب لغتهای انگلیسی در حدود چهل و سه هزار کلمه
وجود دارد .

لغت نامه هائی که مربوط به کلمات علمی و اصطلاحات فنی
است ، کلماتشان به صد هزار می رسد .

پس از یاد گرفتن بیست و شش حرف الفبای بسیار ساده
انگلیسی ، يك كودك توانائی این را پیدا می کند که کلمه های
معمولی انگلیسی را بنویسد . ولی در چین لازمست که نقشهای
بیش از هزار کلمه نقش ممتاز را از بر بکند و همچنین معانی
تقریباً شش هزار دسته علامات را بخاطر بسپرد .

پیداست که عدۀ زیادی از مردم ، استعداد لازم را در مغز
و جسم ، برای این کار ندارند . زیرا فراغت و صبری که برای
چنین کاری لازمست در هر کس پیدا نمی شود .

لازم به شرح نیست که وقتی خواندن و نوشتن ، تحصیلش
اینهمه دشوار باشد منحصر به يك دسته مخصوصی میشود ، و لهذا
در میان چینیان سواد و نویسندگی از بزرگترین هنرها بشمار
می رود .

شك نیست که بایانات استاد روحانی تیلور ، خط چینی
خیلی مشکلتر از خطهای الفبائیست . ولی می خواهیم خط
وزبانهای کنونی را باهم در نظر بگیریم و ببینیم که قوه انتقال
معنی از خطها و زبانهای غیر چینی به ذهن بهتر و سریعترست یا
در خط و زبان چینی .

معلومست که اگر خط و زبان ، هر دو منطقی باشد بحثی
دیگر پیش می آید ، ولی متأسفانه در حالت کنونی ، وقتی که
زبان و خط را باهم در نظر بگیریم ملاحظه میشود که خط چینی

با تمام مشکلاتش ، برای معانی و انتقال آن به ذهن عملی ترست .
ما در شرح يك تابلو نقاشی راجع به این موضوع تذکری
دادیم . ولی بهتر اینست که چند مثال بسیار ساده ای دربارهٔ این
موضوع بزنیم :

در همهٔ زبانهای اروپائی ، اسبابی را که بوسیلهٔ آن می توانند
چیزهای ناپیدا را از مسافت دور ببینند تلسکوپ می گویند .
این کلمه ، از دو کلمۀ یونانی که معانی آنها « دور »
و « دیدن » است ترکیب شده است . در فارسی ما آن را « دوربین »
می گوئیم و در عربی که این گونه ترکیبها مطابق طبیعت زبان
نیست آن را « نظاره » می خوانند .

برای کسی که به زبان یونانی و لاتین آشنائی نداشته باشد ،
کلمه تلسکوپ در هنگام شنیدن یا خواندن ، هیچگونه معنائی
را به ذهن او منتقل نمی کند ، هر چند که نوشتن و خواندن آن
اشکالی نداشته باشد .

در عربی « نظاره » یعنی بسیار نظر کننده ، و این کلمه هم
کاملاً با معنی اسباب ارتباطی ندارد .

پس رویهمرفته در صورتی که دشواری خط فارسی از میان
برداشته شود ، قوه انتقال معنی چه در هنگام شنیدن و چه در
هنگام خواندن ، از زبانهائی که گفته شد بیشتر خواهد بود .

در اینجا ملاحظه میشود که خط چینی با همهٔ اشکالات
طاقةت فرسایش ، مثل يك نقشی ، ممکنست معانی را بهترین
کند و با سرعتی بیشتر به ذهن انتقال دهد ، و اگر خط چینی
چنین امتیازی را نداشت محال بود که چینیان از زمان بسیار
قدیم در رشته های مختلف تمدن اینهمه پیشرفت کرده باشند .

مهمترین نقص این خط اینست که نامها و کلمات خارجی
را نمی شود به خط نقشی چینی نقل کرد و در این صورت ملاحظه
می شود که مثلاً تحصیل جغرافیای جهان ، برای يك دانشجوی
چینی چه اشکالی خواهد داشت .



شکل ۱۴